

بسمه تعالی

تقابل ارزشها در جهان کنونی و نقش اسلام و مسیحیت

در گذشته نزاع ها در قالب جنگ هایی ساده برای تسلط بر قوا، امکانات و ثروتهای کشورهای دیگر بود تا قوی تر بتواند قلمرو حکمرانی وسیع تری بیابد.

اما این تمایل همواره در دیگران نیز بوده است و در نتیجه هر حاکمیتی در ناامنی بیرونی به سر می برده است و همچنین نافرمانی داخلی نیز می توانست خطری بالقوه برای امنیت تداوم حاکمیت باشد.

در دوران مدرن برای گریز از این نزاعهای مداوم، قدرتمندان حاکمیت خود را در قالب شعار خوش ظاهر استعمار بر سایر مناطق دوردست گستراندند تا هم بجای تهدید فرسایشی قدرت های مجاور، به تسلط بر منابع جدید دست یابند و با تربیت قوای دست نشانده نگرانی توطئه های درونی نیز از بین برود.

این نقشه نیز با قیام مستعمره نشینان یکی پس از دیگری رنگ باخت و کل پروژه تسلط از طریق استعمار، در نقاط مختلف دنیا با شکست مواجه شد. پس از دوران استعمارگری و پس از شکست تفکر تسلط بر جهان در دوران جنگ جهان دوم، این تسلط در قالب ایدئولوژی های حاکم خود را نشان داد.

سلطه ایدئولوژیکی تاثیر اصلی را بر نوع حکومتها و در نتیجه نوع قدرت کشورها نشان می داد. اتحاد کشورها بر اساس نوع ایدئولوژی منافع مشترک بوجود می آورد.

دوران جنگ سرد، دوران تسلط یافتن نگرش های حاکمیتی سوسیالیستی- کمونیستی یا دمکرات لیبرالیستی بود. بدین ص ۳ورت بود که مرزهای جغرافیایی کم رنگ شدند و زمینه برای جهانی شدن آغاز گردید.

در این میان محور فعالیت اقتصاد جهانی به منافع شرکت های بزرگ گره خورده است. شرکت ها نیز با رشد تقاضا و جمع آوری پول از کلیه مردم جهان و نه یک منطقه بخصوص به منافع خود می رسند. در این رقابت تمایلات منطقه ای جای خود را به تمایلات انسانی در کل می دهد. اگر تمایلات انسانی به نحوی کم گردد دیگر منافع بنگاههای اقتصادی دچار مشکل می گردد. آنچه می تواند تمایلات انسانی را تشکیل دهد و در نتیجه به سمت تقاضا برای طلب محصولات شرکت های بین المللی گردد لذت جویی انسان است. لذت مهمترین انگیزه برای حرکت در مسیر تولیدات شرکت ها می تواند باشد. حال اگر غیر از لذت جویی، دغدغه های بشری و علایق او عناصر دیگری همچون ارزشهای معنوی، انسانی و متعالی مطرح گردد بدیهی است که دیگر تمایلات به سمت مورد نظر شرکت ها سوق پیدا نخواهد کرد. لذا مهمترین دشمن شرکتهای بین المللی رشد ارزشهایی غیر از لذت جویی است، ارزشهایی که دیگر نقشی برای تولیدات شرکتهای نخواهد داشت و خود مستقل از منافع آنها جریانی دیگر ایجاد می کند.

به همین دلیل است که تمامی تلاش جریان اقتصاد جهانی بر حول محور رشد لذت جویی انسان دور می زند. آنچه برای این اقتصاد اهمیت دارد این است که تنها ارزش در نظر تک تک آحاد جامعه جهانی لذت طلبی باشد. در این راه مهم ترین دشمن این خصوصیت نیز چیزی جز ادیان الهی نیست. در ادیان الهی ارزش های والای دیگری جدای از لذت طلبی وجود دارد که باید نقش تعیین کننده ای در تمایلات و جهت گیری فعالیت انسانی ایفا کند. به این صورت است که بجای تسلط نظامی بر سایر کشورها، یا استعمارگری دیگر ملتها، یا تسلط ایدئولوژیک جنگ سرد، جای خود را به تسلط ارزشهای افراد جامعه جهانی در عصر جهانی شده می دهد. مبارزه اصلی دیگر بین ملتها و کشورها و قدرتها نیست که بین ارزشهاست.

در این راه نیز مهمترین ابزار تسلط دادن ارزشهای لذت جویی رسانه است که با صورتهای مختلف سعی در تحمیل ارزشهای لذت طلبانه برای بشریت تمامی تلاش خویش را بکند و بدین صورت قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهان را در اختیار داشته باشد. برای تحمیل ارزشهای لذت طلبانه و رفاه اندیش از میدان بدر کردن ارزشهای معنوی در سر لوحه فعالیت این بنگاههای اقتصادی قرار می گیرد.

فروکاستن سایر ارزشها به ارزش رفاه زدگی و لذت جویی شیشه مهمترین عامل تعیین کننده در فعالیت اقتصاد جهانی است. ارزشهایی همچون وطن پرستی، ملی گرایی، ایدئولوژی نگری و انسانیت اندیشی همه بگونه ای هم قابل جایگزینی هستند و هم پشتوانه های محکمی ندارند. تنها مانع بزرگ در مقابل ارزش لذت جویی که پشتوانه تاریخی و اجتماعی و فطری عظیمی دارد ادیان الهی و آموزه های آنهاست. بدین ترتیب است که دینمداری دشمن اول ارزشهای لذت جویی و رفاه زدگی به حساب می آید.

یکی از قدرتهای مهم دین، داشتن وجه قدسی است. تقدس امور دینی هاله ای از سپر حفاظتی برای آن بوجود می آورد که مانعی بزرگ بر سر راه تحمیل ارزشهای قدرت اقتصادی بوده است. لذا نگرش سودباور اقتصاد جهانی مهمترین تلاش خویش را با ابزار رسانه در جهت تقدس زدایی از امور مقدس دینی نمود (مگر آن تقدس هایی که نفیاً و اثباتاً با ارزش لذت جویی تزاومی نداشته باشد). احکام دینی و حدود و ثغور دینی نقشی تعیین کننده در حفظ تقدس باوری دینی داشته اند. قبح شکستن حریم های دینی و حساسیت دینداران در مقابل نفی حدود دینی یکی از مهمترین جنبه های تقدس عملی و رفتاری ارزشهای دینی هستند. به همین جهت است که منافع اقتصاد لذت باور جهانی را طرد می کنند.

در اقدامی همه جانبه تلاش این بنگاهها بر شکستن حریمهای دینی تحت لوای آزادی های فردی و سپس شکستن قبح اجتماعی نفی حدود دینی قرار گرفت. مخصوصاً آن حدودی که لذت طلبی صرف را نشانه رفته است یعنی حدود روابط جنسی.

رسانه های جهانی در اولین اقدام آزادی جنسی را سبکی از زندگی بر اساس آزادی های فردی نشان دادند که در کنار سبک دینی می توانست حضور داشته باشد. در قدم بعد شکستن قبح آزادی های جنسی که نگرش دینی تبلیغ

میکرد در دستور کار قرار گرفت. در نهایت با تبلیغ همجنس گرایی مستحکم ترین حریم دینی را برای از بین بردن هرگونه قبح دینی نشانه رفتند و در نتیجه هرگونه قبح شکستن مرزهای ضعیف تر دینی به تبع حاصل می گردید. بدین ترتیب تمامی تلاش خویش را برای به حاشیه کشاندن دین نمودند و ارزشهایی را بنام ارزشهای جهانی که نهایتاً بر رفاه زدگی و لذت طلبی صرف مبتنی بود ایجاد نمودند. و خوشحال از اینکه تمامی جوامع را در سیطره ارزشهای خویش نموده اند منافع خود را برآن اساس تنظیم نمودند.

خیزش دینی در سالهای اخیر بروز فعال ارزشهای دینی را در تفکر مردم جهان نشان داد. آنها ناباورانه با خوش خیالی بر تسلط همه جانبه ارزشهایشان می اندیشیدند که ناگاه طرد ارزشهای مادی صرف توسط مردم در جوامع مختلف نگرانی را در اردوگاهشان ایجاد نمود. نهضتهای دینی دقیقاً حاکمیت ارزشهای جدیدی را طلب می نمودند که در محاسبات ارزشهای جهانی جایی نداشت. تاکید بر رشد معنوی انسان در چهارچوب حدود و مرزهای دینی - نه در قالب نگرش سکولار غربی - واکنشی جدی علیه ارزشهای بنگاههای اقتصادی در قالب تبلیغات رسانه ای شان بود. دیگر ارزشی همچون پرستش خدای متعال که در هیچ قالب سکولاری قابل فروکاستن به ارزشهای مادی نبود جای خود را در جوامع مختلف باز یافته بود و این یعنی طرد ارزش داشتن لذت باوری.

حال جبهه نزاع جهانی جبهه مبارزه ارزشها گردیده بود. برای مقابله با ارزشهای دینی که از فطرت خداجوی مردم سر برآورده بود تخریب وجهه دین یکی از دکترین های ارزشی بنگاههای اقتصادی جهانی گردید. خشونت طلبی دینی که درواغه ۱۱ سپتامبر و ترورهای کور طالبانیسم بوجود آوردند تا ارزشهای دینی را منفور گردانند. اما علی رغم تبلیغ اسلام هراسی و منفور جلوه دادن پای بندی به دین به عنوان تهدید بشریت که زمینه هرگونه حضور دین را در جوامع جهانی از بین می برد، به ناگاه خیزش های دینی نقشه های برنامه ریزی شده آنها را به هم ریخت.

برای مبارزه علیه این حضور دوباره دین و ارزشهای دینی راههای جدیدی دنبال گردید. یکی از این راهها مجال حضور دادن به ادیانی - همچون بودیسم - بود که می توانستند کمتر خطر برای سلطه جهانی آنها داشته باشد. رشد و گسترش بودیسم در آمریکا شاهدهی بر این مدعاست.

راه دیگر ایجاد تفرقه بین جبهه ارزشهای دینی و در راس آنها اسلام و مسیحیت است. ایجاد تفرقه هم از جانب مسلمانان و هم مسیحیان دنبال می گردد. اقدام به قرآن سوزی توسط کشیش مسیحی در آمریکا از یک طرف و ضرب و شتم مسیحیان مصر در خیزش دینی اخیر از طرف دیگر تماماً در جهت نفی حاکمیت ارزشهای دینی بوده است.

نباید فراموش نمود که جبهه اصلی دینمداران نه سایر ادیان که بسط ارزشهای دینی در جوامع انسانی در مقابل خودخواهی های بشری و لذت اندیشی ها و رفاه زدگی است. در ارزشهای دینی به روحیه پرستش به عنوان یکی از مهمترین ارزشهای انسانی تکیه می شود. ادیان بر این باورند که انسان با لذت جویی صرف همچون حیوان خواهد بود و انسانیت او در گرو رشد تمایلات فطری همچون کمال جویی، معنوی گرایی و پرستش خداوند است. اگر لذت بشری او را از رشد انسانی بازدارد یقیناً باید در مقابل این لذت جویی ایستاد و ادیان نیز خواستار چیزی غیر از این نیستند.

محدودیت های دینی - همچون همان که در مقابله با آزادی های جنسی گفته شد- فقط در مسیر رشد کلیه ابعاد وجودی آدمی هستند و لذت طلبی راه این رشد انسانی را می بندد، در نتیجه باید با مواردی اینچنینی مقابله نمود.

اینگونه است که همکاری اسلامی مسیحی به عنوان رسالتی بزرگ ضرورت می یابد. و این چیزی نیست جز طرد حاکمیت ارزشهای حیوانی و بسط ارزشهای انسانی دینی.

بنظر می رسد این همکاری های باید در جهت برآوردن ارزشهای ذیل باشد:

- ۱- نودوستی - نه صرفا برای منافع اجتماعی آن که داشتن ارزش ذاتی آن- بجای خود پرستی.
- ۲- رشد ارزشهای اخلاقی - نه صرفا به خاطر فوائد مادی آن که ضرورت انسانی آن- بجای ارزشهای صرفا مادی،
- ۳- بسط صلح و دوستی - نه بخاطر آنکه صلح ضرورت ایجاد بستر مناسبی برای لذت طلبی مردم است که روح درندگی در جنگ همان بسط حیوانی گری انسان است- بجای ایجاد فتنه و کشتار مظلومان.
- ۴- القاء روحیه پرستش خداوند- نه بخاطر جلب لذتهای تهی معنوی که به عنوان ضرورت فطرت همه انسانها در بندگی پروردگار- بجای بی هدفی و پوچی در زندگی.
- ۵- ارزش دادن به محدودیت های دینی برای نیل به آزادی واقعی در رهایی از هوا و هوس برای تکامل معنوی بجای آزادی حیوانی که به زنجیر کشیدن توان تعالی انسانی است.
- ۶- بسط عدالت اجتماعی - نه فقط برای مقابله با عصبانیهای مردمی که اعتقاد به حق انسانها در برخورداری از عدالت- به جای دلخوشی به لذتهای تعیین شده از جانب بنگاههای اقتصادی.
- ۷- احترام به حقوق انسانها - نه بخاطر سوق دادن آن به سمت منافع بنگاههای اقتصادی که به علت حقوق اعطا شده از جانب خداوند و نه هیچ مرجعیت دیگری- بجای طرد وظایف انسانی.
- ۸- مبارزه با فقر و جهل و ظلم به عنوان وظیفه ای الهی

این مسیری است که جز با همکاری اسلامی و مسیحی تحقق نخواهد یافت. گرچه دشمن این آرمانها با زر و زور و تزویر ابزارهای بسیاری را برای مقابله با این همکاریها برای تحقق آرمانهای الهی فراهم می آورد ولی هوشیارانه باید بدون توجه به تفاوتهای دینی در راه حاکمیت ارزشهای مشترک معنوی همه گونه تلاش را نمود و فعالانه و نه منفعلانه به ترسیم راهی روشن برای بشریت مبادرت ورزید.

در نهایت پیشنهاد می کنم گروهی از اندیشمندان دو دین راهکارهای همکاری مشترک را در حوزه خود مشخص کرده و برنامه ای پنجساله برای بسط ارزشهای دینی در منطقه تنظیم نمایند و با امکانات انسانی خویش در مسیر اجرایی شدن آن گام بردارند. بدیهی است یکی از ماموریت های این گروه باید رصد کردن اقداماتی باشد که دشمنان ادیان در قبال تلاشهای مشترک ادیان انجام می دهند تا بتواند راه حلهای مناسبی برای مقابله با دین زدایی انجام داد.